

"یک اعتراف اشتباه"

مترجم:

Hyun

تایپیست:

Misaky__m

ویراستار:

F_S_S12

کلینر:

S.Z

کاری از تیم:

'Flaxen Guys'



Flaxen_guys



Flaxen_guys



Flaxenguys



잘못된 고백

만화: 해늑 원작: 코오아라

잘못된 고백

نویسنده: Koo Ara . طراح: Hae Nok

- چپتر 20 -





لببند

خیلی
زیباست.



با این که لببندش
ظاهریه ولی
بازم قشنگه.

چرا همچین
فکری کردید؟



چون خودتون
بهم گفته
بودید.

شفادادن دیگران
با قدرت الهی،

اون دفعه خودتون
گفتین که برای درمان
باید از نیروی الهی
استفاده بشه.

چون مخالفت‌های
زیادی وجود داشت
من نمی‌تونم از همه‌ی
قدرتم استفاده کنم.

قدرت استفاده‌کنی.
نی از نصف



.....

بخاطر همین
بهش فکر کردم.

حتی اگر همه‌ی این
مسائل تموم شه،
نمی‌تونم درست از
قدرتم استفاده کنم.

جایجا کردن

برای همین الان با هم قدم
می‌زنیم و ماه رو نگاه
می‌کنیم به هم قول
می‌دیم و قسم می‌خوریم.





چرا باید
بشم؟

خافله گیگ...



قهرمان امپراطوری،
کسی که بهش 'نور'
مردم می‌گن.

ناامید بشم که جواسش
فقط به 'قدرت الهی' معه،
نه 'احساسات' م؟



بیشتر از ناامیدی
بخطرات اتفاقات
گذشته بحالت زده‌م

بمخاله
و ناامیدی به درک

اون مسئولیت‌های
فیلی زیادی داره که باید
بهشون برسه.



حتی آگه
به خاطر قدرت الهیم
نگران باشید،

حسن نمی کنم آقای شوالیه
که باعث می شه حسن بهتری
داشته باشم، آدم بدی باشه.



هر دلیلی هم
داشته باشه،

هر دلیلی داشته باشه
اون شوالیه باهام قدم
زد و با هم ماه رو
تماشا کردیم.

...



و داره بخاطر اینکه
شاهد اون اتفاقی عجیب
نباشم تلاش می کنه.

سنگینی نفسی قابل فهم



این چه قیافه ایه؟!
ایسا ساقشو پریده دار
کردم؟

منلاورم
اینه که...

... خیلی خوشحالم
که شما نگران درگیری-
های منید!

راستش اونقدرم اون
صرفی که زدم راست نبود،
به خاطر پهره‌ی عجیب
و غریب الانش...



مثل اینکه امروزم
قراره با مشت زدن
باشم خودمو آروم
کنم...



... چرا؟

چی چرا؟



گولت زدم،
احساس بدی
نداری؟

اممم،
درسته.





فوممم .



فوممممم .

...



ولی ...



چیزی از دست ندادم .

شوک

حساب و کتاب
کردن...

راستش من
اصلا ناراحت
نشدم.



اون فقط نگران
شده بود
استفاده از
قدرتم مهتل
بشه.

اگه بنوام
صادقانه تر
بگم...

جوون و پولدار

آگه همدین پسر
اینطوری بفرده مگه ممکنه
که عالم خوب نباشه؟

قدبلند و جذاب

خوب من که
نمی تونم اینا رو
تو روش بگم.

با مردم باید
طبق نیتشون برخورد
کرد. نباید فقط
ظاهر و بینیم.

...

اینا رو
النور بهتون یاد
داده؟

امم...

نه.

مثل اینکه از
چرفای اون
اقتباس کردم

ایمانوئل کانت

ویراستار: یه فیلسوف آلمانی

چرخیدن

فقا

می خواستم بگم اگه از من
برای رسیدن به هدفتون
استفاده کردید مشکلی ندارم،
به هر حال خودمم دوست
داشتم باهاتون حرف بزنم.



...

فکر کردن

...

منظور مو
فهمید؟



می خواهم
بگم یه مشت
مزخرف
گفتم...

نکنه واقعا از
پرفای کانت
متاثر شده؟



به هر حال...

زیر پوشیدی



چالا که دارم
بهش نگاه
می کنم شبیه
مجسمه‌ای از
"خدا" است.

ادیتور: ارتیسٹ موقع کشیدن الوین داشته به لامپ فکر می‌کرده؟



چیزی شده؟

خیلی خوشه-
قیافه‌ایه.

بی شرم

دیگه اونجوری که
من نگاهش می‌کردم
خودش می‌فهمید.



...

یعنی وقتی کافه
نگاهم می‌کنه حس
خوبی داره؟



...چی؟

تابلو بوده؟

خوب فکر
کنم آره...



این یعنی من
برای کافه یجور
"وسیله" م؟

آمم...



نگران

توقع نداشتم
همپین جوابی
بره.

وسیله‌ی که
چالم رو بهتر
می‌کنه؟



فوب اینکه صورتش بیش
از حد جزابه غیر قابل
انکاره.

تگون

تگون

...



نزديکي شان

الوين.



می تونی
الوين هدام
کنی.

پایا



...چی؟

پس الان می تونم
وسيله ی کافه
باشم؟

فقط منم که تحمل
همپین گفتم و
گویی برایش سفته؟

... بهش گفتم حتی
اگه ازم به عنوان وسیله
استفاده کنی مشکلی
ندارم.

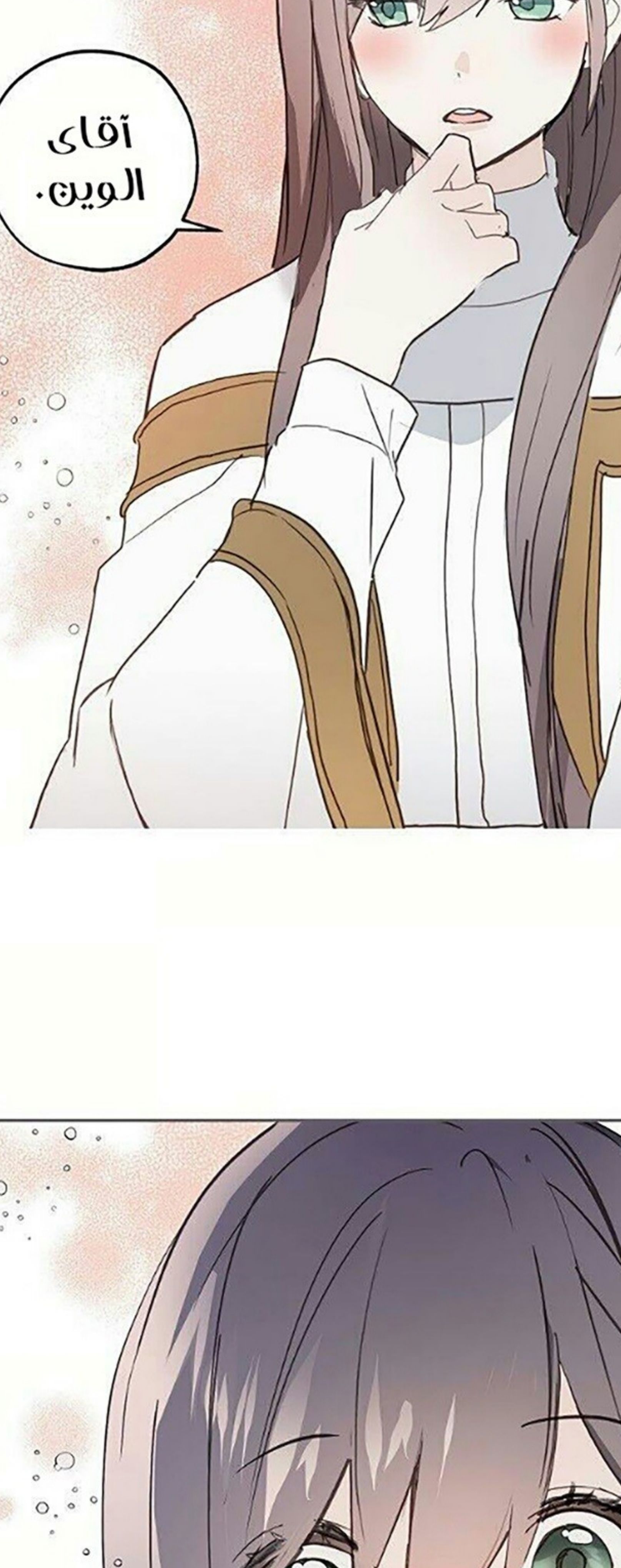
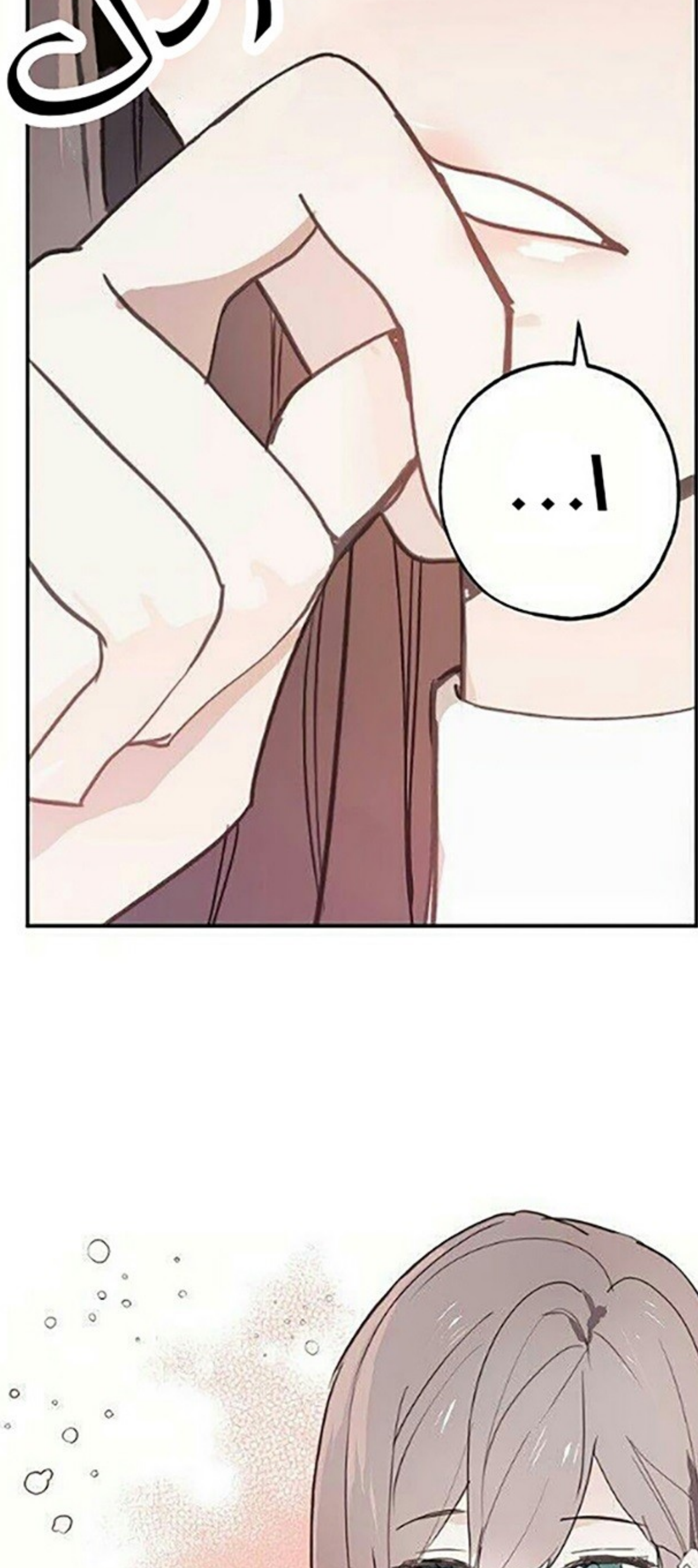


این یعنی اون هم
می‌خواهد وسیله‌ی
من باشه؟

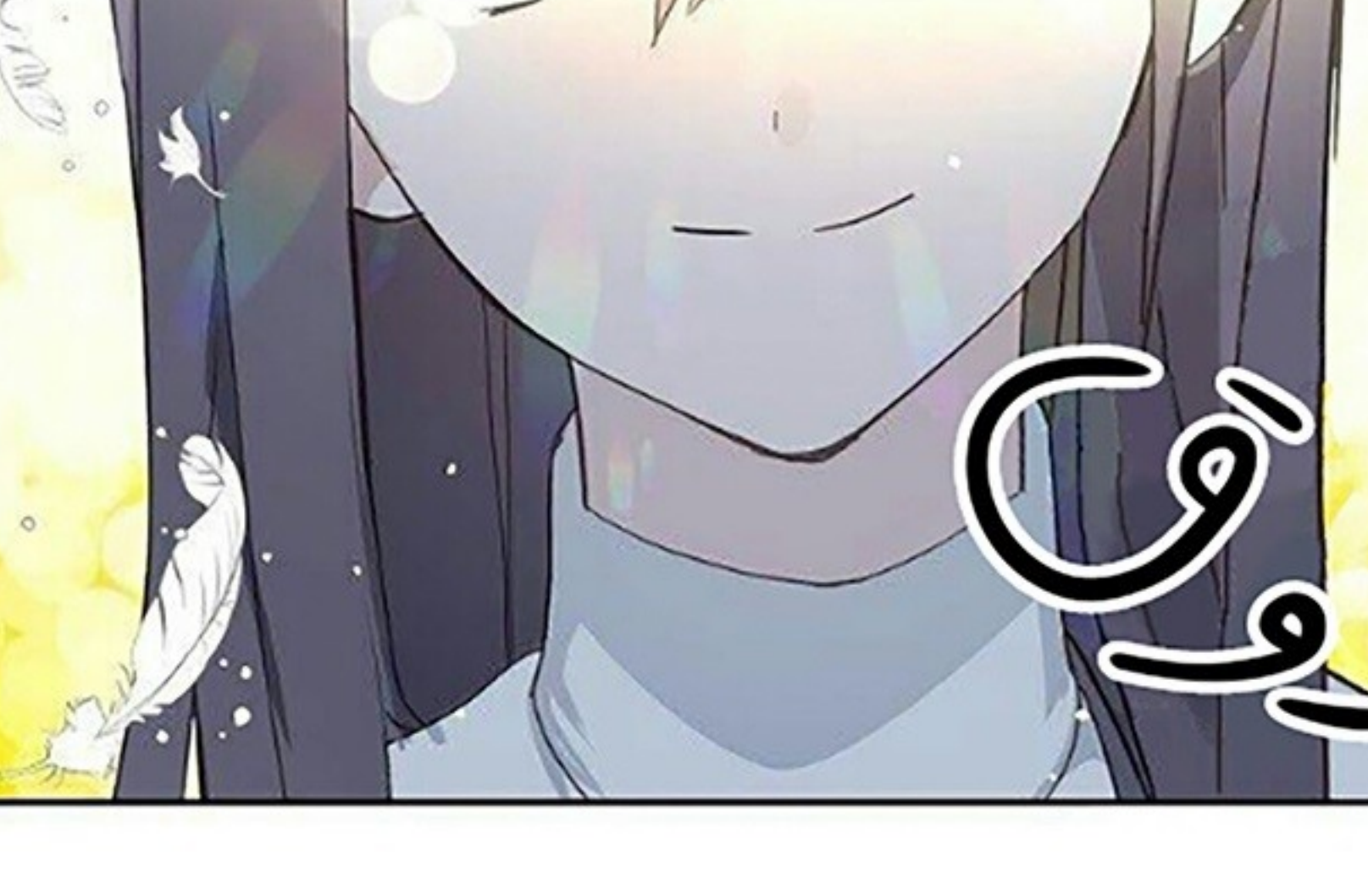


واقعا می‌خواهد
همچین کاری بکنه؟





ادیاتور بله از پشت صحنه اشاره می‌کنن
این بچه اول لامپ بوده بعد دست و پا
درآورده



اخم...م

نمی دونم چی
شد که اینطوری
شد. ولی فکر
کنم باید یه مدت
وسيله‌اش باشم.

ویراستار: دخترای عزیزم
لطفاً شما مثل رنشا، دختر
احمق، انقدر زود خام نشید

جالتون گواهی

مانوا. هائوک. واک. کوایا

مانوا هائوک · واک کوایا
دیوید کینگ · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم · گیوونگ کیم

این کتاب توسط (ج) مانوا کوریگرافرها با مجوز انتشار از طرف ناشرانتان در اختیار شما قرار داده شده است. محتوای این کتاب تحت حمایت ناشرانتان قرار گرفته و محتوای این کتاب تحت حمایت ناشرانتان قرار گرفته است.

